روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آفتاب یزد

روزنامه صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سردبیر: سید علیرضا کریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی(به سمت هفت تیر) کوچه ۲۶ پلاک۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
تلفن: ۸ -۸۸۳۲۱۳۹۷ نمابر: ۸۸۳۲۱۳۹۹
چاپ: همشهری(۳)(روزتاب) - جاده مخصوص- تلفن: ۷-۴۴۵۴۵۰۷۶
توزیع: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
دفتر مرکزی یزد: بلوار۲۲ بهمن، تلفکس: ۳۵۲۴۶۹۱۹-۰۳۵
مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و درصورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

حافظ نامه

ظریفی کـه می‌خواهد از کاندیـدای انتخابات آینده بشود و ایده‌های نویی در سرمی پروراند ونخواست نامش رسانه‌ای شود گفت‌ای حافظا برای انتخابات برنامه دارم تو را به شاخه نباتت در فال ات بگو می‌توانم اقبال مردم را به سوی خود جلب کنم؟ در فال گفتیم:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقندوبخارا را
در تفسیر آن هم گفتیم: کجاست کسی که به دست آرد دل ما که به خال هندویش بخشیم سمرقند و بخارا را؟ گمان نکنم شما خال هندو داشته باشید. افتاد؟!

امام علی (ع): عقل، پیک حق است. ■ اذان ظهر ۱۱:۵۰ ■ اذان مغرب ۱۷:۴۹ ■ اذان صبح فردا ۴:۴۷ ■ طلوع آفتاب فردا ۶:۱۰

دوشنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۸ | سال ۲۱ | شماره ۵۵۷۶

دلنوشته — آفتاب

گره به برجام برای بخت گشایی

● امیر حسین ذاکری
روزنامه‌نگار

پیرو درج مقاله‌ای از مدیر آفتاب یزد خطاب به مدیر کیهان یکی از خوانندگان روزنامه که گلایه‌هایی به این مقاله بخاطرانتقاد از مدیر کیهان داشت با توپ پر گفت: آقا چرا این حرفـارو می‌زنید احمدی نژاد کجا مجلس را به توپ بسـت؟ مجلس مشروطه فقط یک‌بار توسـط ژنرال لیاخوف روسـی به توپ بسته شـد. اون موقع روس‌ها خیلـی خیلی دولت بدجنسـی بودند. زمان احمد شاه مجلس به توپ بسته شد نه احمدی نژاد. شما به صورت تلویحی احمد شـاه را بااحمـدی نژاد قیاس کرده‌اید. اصلا دلیل این همه مخالفت شما با کیهان نشینان و خدایگان و الهه گان مخالف برجام چیسـت؟ خب مدیر کیهان حق داره، تورم بالای ۴۲ درصد شـده، مطالبات مردم عین میـت روزمین مونده. شـعار و وعده‌ها لنـگ در هوا مونده.مدیران در حل مشـکل عاجـز یا درمونـده. مردم تو فکر نون شـب مغموم و حیرون مونده - همیشـه در صحنه غصـه و وامونـده. همین ماجرای رسـوایی فیش‌هـای حقوقی مگه چاخانه؟ نه، حقیقت داره. کیهان روشـنگری می‌کند شما هشت سال پاکدسـتی دولتمردان قبلی را ندیدید؟ اما چرک دسـتی (نجومی بگیران رانت‌باز) فعلی را هم ببینیـد. همین دولت اخیر نبود سـبد خرید مـردم را گـره زد بـه برجام و دیپلماسـی خارجی. مگربرجام سبزه‌ای بود باید برای گره گشـایی و بخت‌گشـایی مثل سیزده بدر گره می‌زدیم؟
دولت فعلی نون و شغل مردم را تامین نکرده اما به زور فیفا دخترانمون را راهی ورزشـگاه می‌کنـد. به قـول کیهـان" راهـی قربانگاه آزادی" سـه هزار و پانصد بلیط هم برای این قربانیان آزادی صادر کردند.(البته ورزشـگاه آزادی). دخترانمـون بی‌شـوهر و جهیزیـه موندند خب بزار پشـت درب اسـتادیوم هم بمونند. به جهنم. مگه دخترانمون ورزشـگاه نرن می‌میـرن؟ مرغ و پلو وحتی اشـکنه از سـفره مون حذف شـد، مردیم؟ نه زنده‌ایم نفـس می‌کشـیم نفـس در هـوای قناعت می‌کشیم. شما به آقای شریعتمداری نتازید کـه اگه به تاختن باشـه خودش به صد تای شـما و حتی بیگانگان و اجنبی هم می‌تازد. شما اهل سـازش‌اید او اهل تازش (تاختن) حتی تیترهایش تیترهای تاختنی اسـت. اما گلایه ما ازامثال شریعتمداری‌ها فقط نیست چون هیچگاه وعده‌ای که باب دل ما باشـد ندادند گلایه ما از کسانی است که وعده‌هایی دادنـد که بـاب دل بود و فکـر کردیم بوی خوش زندگی به مشام می‌رسد.

دختری که عکس او تیتر یک کیهان شد:

آقای شریعتمداری! اجازه دهید کنار هم زندگی کنیم

آفتاب یزد- گروه شبکه: روز پنجشنبه در جریان دیدار ایران و کامبوج برای اولین بار، زنان توانستند بلیط یک مسابقه فوتبال را بخرند و به ورزشگاه بروند. این اتفاق بازتاب جهانی یافت و واکنش‌های فراوانی در پی داشت. اما منتقدان داخلی نیز داشت که عموما از جریان سیاسی اصولگرا بودند. یکی از این منتقدین روزنامه کیهان بود. این روزنامه در روز شـنبه،عکس صفحه یک خود را به عکسی از حضور زنان در ورزشگاه با تیتر قربانیان آزادی و عکس دیگری از پیاده روی زنان در اربعین را با عنوان راهیان آزادگی اختصاص داد. انتشـار چنین عکسـی موجی از انتقادها را در پی داشت. اهل رسانه و کاربران شبکه‌های اجتماعی، این موضوع را تقبیح کرده و معتقد بودند که کیهان با این کار می‌خواهد بین مردم خط‌کشی و آنها را مقابل یکدیگر قرار دهد.

■ روزنامه کیهان عقب نشینی نکرد

انتقادات از تیتر و عکس روزنامه کیهان، باعث شـد که این روزنامه واکنش نشان دهد. انتظار می‌رفت بعد از آن همه انتقاد، کیهان کمی از موضعش عقب نشـینی کند که اینطور نشد. روزنامه کیهان نوشت: «اما با آن دسته از عزیزانی که از روی دلسوزی نقد می‌کنند چند نکته در میان است:
۱-... اگر جمعیت کشور را ۸۰ میلیون نفر فرض کنیم که بیش از این است و زنان نیمی از جمعیت کشور باشند، نسبت حاضران در ورزشـگاه با کل زنان کشور چقدر است؟ کمتر از یک‌ده‌هزارم! بله همین‌قدر اندک و ناچیز. عده‌ای می‌کوشند این جمع کوچک و اندک را جامعه زنان کشور جا بزنند. دغدغه و علاقه آنان را دغدغه و علاقه همه زنان کشور معرفی کنند و می‌کنند. چنین برخوردی جز فریب‌کاری است؟ و آیا آن زنان و دختران محترم، ابزار این فریب نیستند؟
۲-... مشکلات و مطالبات واقعی زنان و دختران کشور، آنچه برخی مدعیان اصلاحات و اعتدال می‌گویند نیسـت. آنان که سال‌هاسـت مصادر اجرایی را قبضه کرده و هزار و یک وعده و وعید به جامعه دادند، اینک باید پاسخگوی وعده‌های خود باشند.
۳-... بیـش از یـک و نیم میلیـون زن و دختـر ایرانی عازم پیاده‌روی اربعین شـده و در راه کربلای معلی هسـتند. سهم ایـن زنان در اخبار و رسـانه‌های این جریان مدعی حمایت از زنان چیست و کجاست؟ چگونه می‌شود کمتر از ۴ هزار زن را در بوق و کرنا کرد و بر صفحه اول روزنامه‌ها نشـاند و آن زنان میلیونی را ندید و سانسور کرد؟
۴- آنـان که با خوش‌خیالی و حسـن ظن به چنین نمایشـی و افاضـه کرده بود؛ «جان روشـن و آگاه دختر آبی، در کنار ما در راه دسـتیابی به برابری حقوق زنان و مردان که حضور زنان در ورزشگاه‌ها تنها بخشی از آن است، گام بر می‌دارد.» آن دیپلمات آمریکا و این پیرزن رسوا، دلشان برای زنان ایران سوخته است؟ این چه حرکت و اقدامی است که دشمنان قسم‌خورده کشور را هم شاد و مسرور می‌کند؟!
۵- این روزها پیاده‌روی اربعین در مرکز تحولات منطقه و جهانی اسـت. چرا می‌گوییم جهانـی؟ از آنجا که اگر چنین اهمیتی نداشـت، دشـمن سـعی نمی‌کرد با هر ترفندی آن را از مسـیر خود خارج سـازد. فتنه‌ای که هفته پیش در عراق حادث شـد و سـرنخ آن به خارج از مرزهای عراق می‌رسـید، یکی از ایـن تلاش‌ها بود. مـردم متدین ایران بخش عمده‌ای از این خیل خدایی را تشکیل می‌دهند و سهم زنان در این مانور معنویت و عشـق، اگر از مردان پررنگ‌تر نباشـد، کمتر نیست. جنجال چند هفته اخیر درباره حضور زنان در ورزشگاه را می‌توان یکی از این تلاش‌های ناکام برای تحت‌الشعاع قرار دادن این حرکت جهانی و عظیم دانست. چه بسا برخی از آن سه هزار و چند صد زن، به خیل اربعینی‌ها پیوسته‌اند. اگر کسی به آن سـه هزار و اندی خانم که به ورزشـگاه رفته بودنـد، بگوید بازیچـه و ابزار کدام طراحی و مطامع شـده‌اند، به آنان توهین کرده یا آنان را هوشیار کرده است؟!طراحان و صحنه‌پردازان این سیاه‌بازی همان‌هایی هستند که چهار سال پیش مردم را در شب توافق هسته‌ای به خیابان کشانده و رقصاندند. وقتی کیهان یک‌تنه ایستاد و فریاد زد که پادشاه برجام لخت است، بنای جنجال و فحاشی گذاشتند و گفتند؛ کیهان اسرائیل پیوندتان مبارک! برخی دوستان نیز می‌گفتند چرا کام مردم را تلخ می‌کنید و کاسه داغ‌تر ازاش نشوید!»

■ به قربانی تبدیل نمی‌شوم

اما در پی انتشار عکس دو دختر تماشاگر ورزشگاه آزادی در صفحـه اول روزنامه کیهان در روز شـنبه و تکـرار آن در روز یکشـنبه با تیتر «قربانیان آزادی»، سارا حلم زاده یکی از آن دو دختربا انتشار متنی خطاب به کیهان در توئیتر خود نوشت: «اگر قبلا کسی ازم می‌پرسید احتمال اینکه عکست روی جلد کیهان چاپ بشـه چقدره؟ می‌گفتم: نزدیک به صفر. غافل از اینکه ممکنه عکسم دو روز پشـت سر هم روی جلد کیهان چاپ بشه. آقای کیهان! اگر دو میلیون بار هم عکسم رو چاپ کنی و توضیح بدی، من به قربانی تبدیل نمی‌شم! کاش بذارین کنار هم زندگی کنیم.»

نگاه می‌کننـد، پیام برایان هوک و فرح پهلـوی را دیده‌اند و خوانده‌اند؟ رئیس گروه اقدام علیه ایران که مامور مسـتقیم آمریـکا برای ضربه زدن به این ملت و کشـور اسـت، به این مناسـبت پیامی صادر کرده و گفته اسـت؛ «اینجا در آمریکا ما شـعارهای شـما را شـنیدیم که جای دختر آبـی را خالی کردید.» فرح پهلـوی هم که در لاقیدی و بی‌بندوباری چنان پیشـتاز و خبرسـاز بود که صدای شوهر عیاشش هم در این زمینـه درآمـده بود، چنـد روز پیش از بازی پیامی منتشـر

علاقه زنان قبیله‌ای قدیمی برای اژدها شدن

زنـان قبیله کایـان در میانمار حلقه‌های برنجی می‌آویزند تا شبیه اژدها به نظر برسند.به گزارش باشگاه خبرنگاران، کایا نـام ایالتـی در میانمار است که به دلیل برخی جاذبه‌های سـنتی‌اش، هر ساله هزاران توریست را روانـه ایـن کشـور می‌کند. سـنت‌های عجیب و خاص که در نوع خود منحصربه‌فرد است. حلقه‌های گردن، بخشی از یک سنت قدیمی در میان زنان این ایالت اسـت. ظاهر برجسـته این حلقه‌ها جهانگردان جهان را مجذوب خود و کایان را به یکی از شناخته شده‌ترین گروه‌های قومی جنوب شـرقی آسیا تبدیل کرده است. سالانه تعداد زیادی از گردشگران برای گرفتن عکس و شرکت در فعالیت‌های سنتی مانند سوارشدن بر گاوها از قبیله کایان واقع در این ایالت بازدید می‌کنند. تاکنون اظهار نظرهای فراوانی درباره این سنت قدیمی ارائه شده است؛ برخی می‌گویند این حلقه‌های برنجی در گذشته برای حفاظت در برابر حملات ببرها اسـتفاده می‌شـده است. اما قدیمی‌ترها نظر دیگری دارند؛ طبق گفته مولون ۸۸ ساله از زنان قدیمی قبیله، این حلقه‌ها جنبه تزئینی داشته و زنان قبیله از آن برای زیباتر شـدن اسـتفاده می‌کردند، چیزی که در حال حاضر دیگر کاربردی ندارد. او در توصیف سـنت اسـتفاده از حلقه‌های برنجـی می‌گوید: در زمان من، زنان بـدون حلقه‌های گردن زیبا نبودنـد. اما اکنـون، آن‌ها فکر می‌کنند بدون آن‌هـا زیبا به نظر می‌رسـند. این حلقه‌ها که حدود ۱۰ کیلوگرم وزن داشـتند، به دلیل وزنی که داشـتند در سـنین پایین مثلا ۹ سـالگی، بسیار ناراحت‌کننـده بودنـد و آویختن‌شـان چنـد سـاعت زمـان می‌برد. مولون در ادامه از حس و حـال خـود در زمان اسـتفاده از این حلقه‌ها می‌گویـد: «حلقه‌ها مرا خفـه و غذا خـوردن را برایم مشـکل کرده بود. مجبور بودم بـرای غذا خـوردن گردن خـود را دراز کنم اما به مرور به آن عادت کردم و این حلقه‌ها تا لحظه مرگ همراه من اسـت.» اما رایج‌ترین نظریه دربـاره این سـنت، همان نظریه زیبایی و ثروت اسـت و معمولا دختران خانواده‌هایی که از تمکن مالی بیشـتری برخوردار بودند از این حلقه‌ها اسـتفاده می‌کردند. در جایی دیگر زنان برای آنکه شبیه اژدها به نظر برسند از این حلقه‌ها استفاده می‌کردند. البته به مرور این سنت به فراموشی سپرده شد و در حال حاضر تعداد معدودی از افراد از این حلقه‌ها اسـتفاده می‌کنند. همین امر این روستا را تبدیل به یکی از جاذبه‌های توریستی کرده است.

داستان عجیب مردی با دست‌های پولادی!

یک کشـاورز چینی که دست هایش را بر اثر انفجار مواد منفجره از دسـت داده برای خود دسـت مصنوعی سـاخته اسـت. به گزارش فـارو، سـان جیفـا هنگامی کـه قصد صید ماهی به وسـیله مواد منفجره را داشت دچار حادثه شد و دسـت‌هایش قطع شد. این مرد کـه توانایی خرید دسـت مصنوعـی و آنچه که بتواند بـا آن کارهای سـنگینش را انجام دهد نداشت ۸ سـال برای ساخت یک جفت دسـت مصنوعی با استفاده از فلز قراضه وقت صرف کرد تا سـرانجام موفق شد. دست‌های او از جنس فولاد هسـتند. او می‌گوید که من اکنون می‌توانم کارهای کشـاورزی و کارهای ساختمانی انجام دهم. سان جیفا با دستهایش علاوه بر کارهایش شطرنج بازی می‌کند، الوار می‌بنـدد، رانندگی می‌کند، غـذا می‌خورد، از تلفن اسـتفاده می‌کند و... ایـن مرد گفته که هنگامی که دسـتهایش قطع شـده بود همه کارهای روزمره‌اش را همسـرش انجام می‌داد و در لباس پوشـیدن و دستشویی رفتن به او کمک می‌کـرد. وی در آن زمان آرزوی مرگ کرده بود اما همسـر بـاردارش و فرزندش که قرار بود به دنیا بیایـد امید به زندگی را در او زنده کردند.

خانه درختی عجیب و مدرن در دل جنگل

این خانه درختی توسـط اسـتودیوی اتریشی پریشـت برای اسـتارتاپ خانه‌هـای کوچک بامبـاو در جنگل‌هـای اتریش طراحی شـده اسـت و اقامتگاهی عجیب و جدید است! این خانه مفهومـی، مانند یک تنه درخت اسـت و کمتریـن فضای افقی را در زمین اسـتفاده می‌کنـد، بنابراین برای سـاختش در جنگل نیازی به قطع درختان و ایجاد زمینی مسطح و وسیع نیست. هر آنچه باید در یک خانه ساخته شود، به‌صورت طبقه‌ای و در ساختمانی تنه‌ای شکل (به شـکل تنه درخت) ساخته می‌شود و قسمت‌های مختلف این خانه نیز با استفاده از دهانه‌هایی که شـبیه به غار از سـاختمان اصلـی بیرون زده‌اند، شـکل می‌گیرند. فضای داخلی به سـبک تیره است که باعث می‌شود فضایـی دنج و غار مانند را شبیه‌سـازی کند. همچنین چشـم‌انداز محوطه بیرون از طریق دهانه‌های بزرگی که از ساختمان اصلی مانند یک بیرون‌زدگی ساخته شده‌اند، قابل مشاهده است. نمای بیرونی نیز با استفاده از طرح‌هایی بـرگ ماننـد به رنگ قهـوه‌ای باعث اسـتتار طبیعی سـازه شده اسـت، بنابراین، این سازه از لحاظ بصری خیلی در محیط جنگل بیگانه محسوب نمی‌شود.

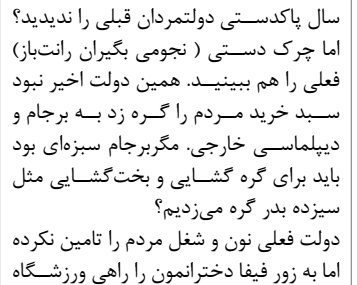

تنها شهر دو ملیتی جهان!
شـهر بوسـینگن آم هوکرهین یک شهر سوئیسی اسـت که در اختیار آلمان است. ایـن شـهر کوچـک آلمانی کاملاً توسـط سوئیس احاطه شده اسـت، به‌گونه‌ای که آن را تبدیـل بـه یـک ناحیه بـرون بوم و درعین‌حال درون‌بوم کرده است.

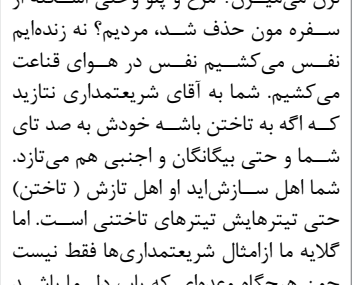

صف پیکان‌های زیرخاکی در تهران!
بیـش از یک دهه اسـت کـه تولید پیکان نخسـتین خودروی ایرانی متوقف شـده امـا خیلـی از گالـری دارهـا و عاشـقان نوسـتالژی هنوز پیکان‌های شان را از رده خارج نکردند و نوستالژی دهه‌های قبل از شـصت شان را با بزک کردن این خودروها بـه نمایش می‌گذارند. ایـن عکس آخرین دورهمـی این پیـکان بازهـا در پارکینگ پیست اتومبیلرانی ورزشگاه آزادی است.

جلیقـه ضـد گلوله نخسـت وزیـر کانادا خبرساز شد!
جاستین تورودو نخست وزیر جوان کانادا که کمتر از یک ماه تا انتخابات در کشورش مانده و شانس پایینی برای رای آوردن در برابر جناح دست‌راستی تندرو در کشورش دارد، از ترس تهدیدهای امنیتی با جلیقه ضدگلوله به میتینگ انتخاباتی‌اش رفت و خبرساز شد. دولت او به دلیل سیاست‌های باز پذیرش مهاجر به شدت زیر فشار است.

آفتاب — کامنت امروز

یارانه خواه!؟

● محمد ماکویی
ستون نویس

کمتر کسی فکرش را می‌کرد که عباس عبدی علم‌مخالفت باعلی مطهری برداشته و پرداخت یارانه توسط محمود احمدی نژاد را کاری به مراتب درست‌تر از حذف یارانه توسط حسن روحانی بداند. با این وجود، در سخنان عباس عبدی موارد مهمی وجود دارد که سالهاست توسط سیاستمداران و سیاستگذاران کشور به بوته فراموشی سـپرده شده است. عباس عبدی به درستی عنوان می‌کند که پول یارانه سهم مردم اسـت و دولت نمی‌تواند به دلیل پرداخت آن سر ملت منت بگذارد. به عبارت دیگر وقتی محمود احمدی‌نژاد پول یارانه را راهی جیب‌ها و سفره‌های مردم می‌کرد خوب می‌دانست که در صورت عدم پرداخت نقدی این پول، باید از گذاشـتن آن در جیب دولت خودداری نموده و آن را صرف کم هزینه‌سازی و بهبود آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، ورزش و خیلی چیزهای دیگر نماید. نکته مهم دیگـری که عباس عبدی به درسـتی به آن اشاره می‌کند این است که در تمام سال‌هایی که دولت از سود فراوان حاصل از فروش نفت بهره می‌بـرد، کار خاصی برای اشـتغالزایی نکـرده(انصافا در زمینه‌هـای دیگر هم کار خاصی نکرده اسـت) و بنابراین بعید است با در جیب گذاشتن شـندرغاز یارانه پرداختی هم کار خاصی بـرای مردم بکند.برای اینکه درسـتی پرداخت یا حذف یارانه بهتر درک شود بد نیست به تاریخچه موافقت و مخالفت با پرداخت اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. در زمانی که محمود احمدی‌نژاد پرداخت یارانه را کلید زد و به مردم گفت که می‌توانند با یارانه دریافتی پول آب، برق، گاز، تلفن و چیزهای دیگر را داده و پس از تامین جهیزیه و به خانه بخت فرستادن دختر، الباقی پول را برای روز مبادا ذخیره کنند، عده‌ای چشـمان خود را گـرد کرده و «این همه کار را که نمی‌شـود با پـول یارانه صورت داد» گفتند.با این حال، عمده مخالفت‌ها به دلیل یکسان بودن یارانه پرداختی به همه آحاد ملت بود، زیرا نه تنها پرداخـت یارانه به فقیر و غنـی با روح ایجاد عدالت اجتماعی سـازگار نبود، بلکه تفاوت فاحش ارزش «یک ریال» در نزد غنی و فقیر باعث می‌شد که ۴۵۵۰۰ تومان برای عده‌ای «تقریبا هیچ» و برای شـماری «بالاخره یک کارهایی با آن می‌شود کرد» محسوب شود. این روزها، میزان یارانـه پرداختی برای افراد فقیر و پایین دسـتی جامعه هم چیز خاصی محسوب نمی‌شـود و لذا اگر حسن روحانی می‌خواست به همان دلیل روز نخست نسبت به حذف یارانه پرداختی رده بالایی‌های جامعه اقدام نماید، می‌بایسـت یارانه حذف شده را راهی جیب‌ها و سـفره‌های دهک‌های پایین جامعه نماید. وقتـی این کار صورت نگرفت، مردم متوجه شدند که دلیل مخالفت‌های روز اول هم چیز دیگری بوده و «دولت می‌خواهد کم و کسری‌هایش را هر جور شده جور کند» را علت اصلی حذف رده بالایی‌ها دانستند. به زبان دیگر، یکی از دلایلی که افراد رده پایین جامعه هم نسبت به حذف یارانه پرداختی به دهک‌های بالا موضـع منفی اختیار کرده‌اند این است که به «آسیاب به نوبت» اعتقاد راسخ داشته و «نوبت شـما هم می‌رسد» را جوابی قانع‌کننده‌برای گوشه‌وکنایه «شنیدم یارانه‌ات را قطع کرده‌اند!»می‌بیننـد. برای بیان دلیل اصلی دیگری که باعث شـده مردم نسبت به حذف یارانه روی خوش نشان ندهند بگذارید از یک طنز کوتاه اسـتفاده نماییم: می‌گویند بـازرس مرغـداری وارد شـده و از صاحـب مرغداری «شما به مرغهایتان چه می‌دهید؟» را می‌پرسـد. مرد در جـواب می‌گوید که به مرغ‌ها نان خشـک می‌دهد. بازرس عصبانی شده و «در این قحطی و نداری که مردم برای خودشان هم نان ندارند چطور جرات می‌کنید که به مرغ‌ها و جوجه‌ها نان خشک بدهید» را بر زبان می‌آورد. بار دیگر که بازرس راهی مزرعه شده و از صاحب مرغداری همان سوال اول را می‌پرسـد، جواب «ما به مرغ و جوجه‌هایمان پوسـت هندوانه می‌دهیم» را دشت می‌کند. بـازرس بـاز هم عصبانـی شـده و «در این قحطی و گرانی که مردم از خرید میوه ناتوان هستند شما چطور جرات می‌کنید به مرغ و جوجه‌هایتان پوست هندوانه بدهید» را بر زبان می‌آورد. هنگامی که بازرس برای سومین بار راهی مزرعه شده و همان سوال همیشگی را تکرار می‌کند، صاحب مرغداری «ما به مرغ و جوجه‌هایمان پول می‌دهیم تا هر چه خواستند بخرند و بخورند» را قید می‌کند! داسـتان بالا یک جورهایی حکایت زندگی ما ایرانی‌هاست، زیرا اگر قـرار بود اولویت‌های زندگی مردم به درستی شناسایی شـده و بودجه‌های سالانه بنابر نیاز مردم تخصیص یابد، کمتر کسی از حذف یارانه گله‌مند می‌شـد و «خودم بهتر خرجش می‌کردم» می‌گفت. درست است که مـردم را پرداخـت یارانـه احمـدی نژادی گلایه‌هایی دارنـد اما در مـورد فعالیت‌های حسن روحانی شاید «حتی آن یک ذره انصاف احمدی نژاد را هم ندارد» را بر زبان می‌آورند!